

کرسی آزاد اندیشی "بررسی تاثیرات عملیات طوفان الاقصی بر وحدت جهان اسلام" برگزار شد



کرسی آزاد اندیشی با موضوع بررسی تاثیرات عملیات طوفان الاقصی بر وحدت جهان اسلام در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، کرسی آزاد اندیشی "بررسی تاثیرات عملیات طوفان الاقصی بر وحدت جهان اسلام" به صورت حضوری و مجازی در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار گردید.

دکتر حسن لاسجودی کارشناس و استاد دانشگاه و کارشناس مسائل غرب آسیا پیرامون نکات مهم شناخت عملیات طوفان الاقصی که چه کسی این عملیات را انجام داده است؟!، اظهار داشت: اکنون از میان اخبار و یافته، تحلیل گره‌های نظامی و اطلاعاتی که آشنا به مسائل منطقه هستند این سوال پیش آمده است که جرقه برهم زننده تحولات جهانی توسط چه کسی انجام شده است؟! به نظرمی رسد سه گزینه حجم‌میزان تاثیر گذاری، یگانگی این عملیات در نگاه اهل نظر باشد.

وی افزود: اول، این عملیات کاملاً فلسطینی بوده است، دوم اگر این عملیات فلسطینی نباشد و شائبه کمی

داشته باشد پس کاری از مجموعه متغیرهای مقاومت اعم از فلسطینی و غیر فلسطینی است و سوم این عملیات بزرگ با هدایت و مساعدت یکی از قدرت های بزرگ به طور مشخص روس ها و یا یکی دیگر از قدرت های بزرگ انجام شده است؛ اگر بخواهیم از میان این سه گزینه یکی را انتخاب کنیم ، نظر بنده گزینه اول است.

وی ادامه داد: عملیات طوفان الاقصی یک عملیات نظامی حساب شده است و کسانی که بعد از عملیات آمدند و توجیه کردند که چگونه این عملیات اتفاق افتاده است توضیحاتی دارد؛ در واقع اصل این عملیات در عمق ۶ تا ۱۲ کیلومتری سرزمین های اشغالی انجام شده است، نکته این است که این عملیات در سه مرحله شامل: عبور ، حضور در اماکن خاص و در شهرک ها به جهت حجم و اثر گذاری انجام شده است؛ لذا یکی از عملیات مهم اطلاعاتی و نه نظامی بوده است.

این کارشناس حوزه بین الملل، تصریح کرد: اصرار دارم بگویم تاثیرگذاری اطلاعاتی امنیتی بسیار مهمتر از نظامی بوده است، زیرا نوار غزه و محیط عملیات طوفان الاقصی محل استقرار ۶۰ درصد از نیروهای نظامی اسرائیل است که برای کنترل غزه بوده است؛ آنچه که مهم است این که عملیات از نظر حجم تلفات و ضربه زدگی و تاثیر در روحیه نیروهای مقابل با برخی از جنگ های گذشته مثل جنگ های ۴ گانه عراق سوریه و... برابری می کند .

وی اضافه کرد: در این عملیات 3400 مجروح و 1400 کشته و 800 مفقود و 150 اسیر بجای مانده که ممکن است تا به امروز این آمار تغییر کرده باشد، چرا معتقدیم این عملیات نمی تواند غیر فلسطینی باشد؛ اولاً تجربه جنگ ها و عملیات هایی که در این منطقه داشته ایم و اگر بخواهیم تحرکی انجام دهیم حتماً ذیل اسرائیل رویت خواهد شد، زیرا هزاران جاسوس در این منطقه مستقر کرده اند و با امکانات جاسوسی کنترل می کنند لذا نمی توان تحرک نظامی و غیره را نبینند.

دکتر لاسجودی، عنوان کرد: دوم، عملیاتی که در مرزهای فلسطینی صورت گرفته است، مسیر گذر رزمندگان فلسطینی به شکلی بوده است که از دیوارهای سیمانی عبور کرده و به استحکامات و مراکز نظامی رسیدند و در نهایت به شهرک ها ورود کردند و حداقل 4 مانع نظامی را رد کرده اند که در زمان نیم ساعت طول کشیده است.

وی بیان کرد: سوم، کسانی که در جغرافیای فلسطین نزدیک هستند و زندگی می کنند و ارتباطات دارند و از طریق فناوری امروز می توانند برخی از مناسبات را متوجه شوند، بهتر می توانند عملیات انجام

دهند فلذا اگر طراحی و انجام آن با این حجم توسط نیروی خارجی انجام شود بسیار بعید است؛ نکته دیگر تلاقی قدرت ها است که هر اقدامی در طول یکی دو سال اخیر امکان محرمانه بودنش بسیار کم است؛ شائبه ای مطرح کردند که اسرائیل خود این عملیات را طراحی کرده است تا حماس را داخل محاصره ای گرفتار کند، اسرائیلی ها از نظر بنده آدم این کار نیستند آنها در موضوع تلفات حساس و بسیار ترسو هستند، زیرا مشاهده می کنیم بدنبال آزاد سازی اسرای خود هستند.

این استاد دانشگاه اذعان داشت؛ این مسئله عاقلانه نیست زیرا در این عملیات افسران بلند پایه اش کشته و اسیر شدند و مسائل مرتبط با این موضوع که اسرائیل بعد از شروع طوفان الاقصی چه اقداماتی می توانست انجام دهد و یا انجام داد و در ادامه پیرامون چشم انداز آینده سخن خواهم گفت؛ اسرائیل بعد از دریافت پیام طوفان الاقصی ، آنکه این عملیات چرا غافلگیر کننده بوده است، باید عرض کرد که اولاً تلفات بالای این عملیات می باشد که به دنبال چاره ای است که طوفان الاقصی برای آنها توجیه پذیر باشد.

وی افزود؛ دوم کدام اتفاق انجام شود که آنها بگویند یک ضربه خورده و ده ها ضربه زده ایم، سوم افکار عمومی جهان را به سمت خود سوق دهند، لذا فردای آن روز که طوفان الاقصی به نتیجه رسید قدرت های بزرگ دنیا سریع خود را به تلاویو رسانند که خود دلیل غافلگیری این عملیات است؛ رهبران اطلاعاتی اسرائیل با آن همه مولفه که ما قدرت برتر اطلاعاتی هستیم و غیره غافلگیر شدند.

وی ابراز داشت؛ آمریکا برای اینکه اسرائیل را از گنجی خارج کند خود شخصا فرماندهی میدان را انجام میدهد، نکته دیگر این است که چرا اسرائیل اینقدر وحشیانه حمله می کند، به دلیل جنونی است که از شکست دیده اند؛ لذا اگر کسی می خواهد موضوع رفتار رژیم صهیونیستی را در غزه رفتارشناسی کند، پاسخ این است که سران ، رهبران و نظامیان صهیونیستی به جنون رسیده و نمی دانند از کجا این ضربه را خورده اند؛ آنها بعد از روز سوم عملیات به دنبال پاسخ طی سه گزینه ، اول ایجاد جنگ بزرگ ، دوم حمله به نیروهای مقاومت منطقه ، سوم حمله به غزه محل آغاز غافلگیری بودند که به واقعیت نزدیک تر است.

دکتر لاسجودی، اظهار داشت؛ یکی از آرزوهای اسرائیل از بین بردن غزه و نابودی آن است تا مدیریت کامل آن را در دست بگیرد، به جهت اهمیت غزه و خواستگاه نیروهای مقاومت فلسطین و نیز قبل از انقلاب تاکنون محور مقابله با اسرائیل بوده است لذا غزه برای آنان قابل تحمل نیست، آنان با کشتن حدود 8 هزار زن و کودک به دنبال لاپوشانی شکست خود هستند؛ اسرائیل به دلایل مختلف بعد از اسلو موفق

شده است یا شرایط به گونه ای است که کرانه باختری را به دولت خود مختار بدهد.

لاسجردی، اضافه کرد: نیروهای مقاومت تلاش کردند غزه را از دست دیگران خارج کنند، امروز کانون جوشش و پرورش نیروهای مقاومت همچنان یک محل مهم است و اگر امروزه غزه را می خواهد صاف و نابود کند از این جهت است، لذا همواره به دنبال ایجاد رعب توسط رادیو، تراکت و غیره هستند و بعد از طوفان الاقصی به دنبال یک شعار بزرگ هستند که یک ضربه خورده ایم و هزاران ضربه وارد کرده ایم.

این کارشناس مسائل غرب آسیا در پاسخ به این که از نگاه آرمان گرایی در مقابل یک پروژه یا پروسه قرار داریم؟!، گفت: طوفان الاقصی پروسه است، زیرا پروژه اول و انتها دارد، مجموعه متغیرهای کمی در طوفان الاقصی است که در عدد و رقم نمی گنجد، لذا اقدامات مقاومت اسلامی نشان دهنده پروسه بودن است؛ در صورت پروژه بودن تاکنون باید تقابل بین اسرائیل و محور مقاومت تمام شده بود و به نتیجه ای می رسید، اکنون هم با عنوان استقرار دو دولت روبرو هستیم و دولت های بزرگ می آمدند و تمام میشد لذا به دلایل مختلف طوفان الاقصی ادامه پروسه مبارزه با اسرائیل است.

وی پیرامون آینده و نتیجه جنگ "طوفان الاقصی"، اذعان داشت: به دلایل مختلف معتقد هستم شکل جنگ های منطقه ای ما تبدیل به جنگ های فرسایشی شده است و در همین جنگ اخیر باید به عنوان نمونه ارزیابی و تحلیل شود، اولاً با پدیده متکثر دولت ملت مواجه هستیم که موازنه ها را تغییر داده است، دوم نیروهای چریکی غیر رسمی که می تواند احزاب، گروه ها و دیگران باشند هستند، سوم تاثیر گذاری بازیگری بازیگران داخلی و خارجی است که اصطلاحاً تضاد منافع است، این که می تواند بازی این دو را وارد چالش کند یا خیر، چهارم در هم پدیدگی مناسبات امنیتی و سیاسی و اقتصادی منطقه که همیشه یک نیم نگاهی به تحولات اخیر داشته ایم.

وی در پایان نتیجه را این گونه بیان کرد: در حقیقت این درهم تنیدگی بسیار مهم است، نکته آخر این است که زندگی منطقه بیش از حد خصوصی شده است و تحت تاثیر شبکه های اجتماعی قرار گرفته است، در حقیقت منفعت طلب شده ایم، سوال این است که در روزهای آینده بر اساس متغیرهای موجود در غزه چه اتفاقی خواهد افتاد؟! جواب این است که یکی دو ماه آینده اسرائیل می خواهد از باخت خود یک برد بسازد اما در برابر بازیگران مختلفی از ملتها و دولت ها قرار دارد، به نظر می رسد بزودی شاهد یک آتش بس کوتاه مدت خواهیم بود، البته بازیگران اصلی هنوز تصمیمی برای این مسئله نگرفته اند.